



در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۴۸ هر که پولش بیش، سهمش بیشتر!

۵۰ شاهراه توسعه در آب‌های خلیج فارس

۵۱ بهشت دوداندود

سنتی عسلویه و خواهرخوانده‌های همجوارش، نخل تقی، تمبک و شیرینو را به سیمای یک نیمه‌شهر گازی تغییر داد.

گنجینه گازی پارس

میدان گازی پارس جنوبی به احتمال قوی بزرگترین ذخیره‌گاه مستقل گاز طبیعی در جهان است که تا کنون کشف شده است. این میدان عظیم گازی در میانه خلیج فارس - جایی که مرز آبی ایران و قطر تلقی می‌شود - قرار دارد. مساحت این میدان ۹ هزار و ۷۰۰ کیلومتر مربع است که ۳ هزار و ۷۰۰ کیلومتر آن در بخش ایرانی و ۶ هزار کیلومتر مربع در بخش قطری قرار دارد که به گنبد شمالی معروف است. ذخیره گاز طبیعی بخش ایرانی این میدان ۱۴ تریلیون متر مکعب و ۱۸ میلیارد بشکه مایعات گازی است، که این حجم عظیم، معادل ۸ درصد از همه ذخایر شناخته شده گاز طبیعی جهان و ۵۰ درصد کل ذخایر گاز جمهوری اسلامی ایران است.

پس از طراحی طرح توجیهی میدان گازی پارس جنوبی در سال‌های اولیه دهه ۷۰، عملیات اجرایی توسعه، آماده‌سازی محیطی و حفاری اکتشافی میدان از سال ۷۶ جدیت بیشتری به خود گرفت. با توجه به مشترک بودن میدان و برداشت زود هنگام قطر از ذخیره گازی، وقوع پدیده مهاجرت سیالات در این میدان به سود رقیب قطری به اثبات رسیده بود، به همین دلیل برداشت سهم شایسته از گنجینه گاز پارس جنوبی به یک اولویت استراتژیک کشور و وزارت نفت تبدیل شد.

در ابتدا طراحی برای توسعه ۲۴ فاز پارس جنوبی انجام شد که تا امروز به ۲۸ فاز افزایش یافته است و احتمال دارد این تعداد باز هم افزایش یابد. با مشخص شدن جدیت وزارت نفت ایران برای توسعه میدان و برداشت از ذخایر

کشور ما به عنوان دومین دارنده ذخایر گاز در دنیا و قطب اصلی نفت و گاز در خاورمیانه نیازمند اتخاذ تدابیری در جهت توسعه میادین نفتی و گازی و افزایش میزان استخراج و توان تولید و صادرات است. پروژه عظیم پارس جنوبی در منطقه عسلویه نویدبخش فردایی بهتر در عرصه اقتصادی و انرژی برای ایران است. به اعتقاد بسیاری پارس جنوبی همچون نگینی است که بر انگشتری خلیج فارس می‌درخشد. توفیق قطر به عنوان شریک ایران در این میدان، ضرورت بازنگری در سیاست‌ها و روش‌ها برای توسعه این میدان عظیم گازی است. انصاف را کنار نگذاریم کارهای بزرگی در این میدان صورت گرفته است که نیازمند تقدیر می‌باشد، اما فراموش نکنیم که میدان پارس جنوبی در استفاده مشترک از ذخایر موجود همانند زمین بازی است که در آن رقابت اصل اول پیروزی است. آسیب‌شناسی و بررسی چالش‌های گذشته تا حال و عبرت آموزی جهت رفع چالش‌های مذکور، امروز می‌تواند افق‌های روشنی را فراروی میهن اسلامی ما بگشاید.

سرزمین رویاهای گاز

فروغ سپهر آینده

پتانسیل عظیم ساحل شمالی خلیج فارس از منظر اقتصاد انرژی آنچنان خوشبینانه است که حتی می‌تواند خسارت ۱۱ سال تأخیر در برداشت از میدان پارس جنوبی را از خاطرها پاک کند.

پانزده، شانزده سال پیش گروهی از پرسنل فنی شرکت ملی نفت ایران مأمور شدند تا بر کناره ساحل شمالی خلیج فارس و جایی که عسلویه نام داشت، طرحی را در قالب امکان‌سنجی استقرار تأسیسات پالایش و سایر بناهای یک شهر گازی مطالعه کنند. آنگونه که یکی از افراد عضو این گروه چند نفره برای نگارنده نقل کرده است، روستای ساحلی عسلویه آن روزها آنچنان ناشناخته و گمنام بود که گروه اعزامی بدون آن‌که متوجه عبور از کنار عسلویه شوند، ده‌ها کیلومتر را به امید رسیدن به این سرزمین رویاهای گازی به سوی شرق طی کرده بودند. امروز اما نام عسلویه و پارس جنوبی در فهرست کانون‌های پراهمیت اقتصاد گازی جهان تثبیت شده و این نام نه تنها برای ایرانیان که در گستره‌ای از توکیو تا پاریس و از کوالالامپور تا مسکو، نامی مشهور و یادآور قلب تپنده و شاه‌رگ حیات صنعت

گاز خلیج فارس است. تاریخ گواه است که تا دو دهه پیش عسلویه روستایی نسبتاً بزرگ در ۲۷۰ کیلومتری جنوب شرق بوشهر بود. پیشه مردمانش در یک محیط کسب و کار محلی عمدتاً ماهیگیری و مختصری تجارت دریایی بود. عسلویه به همراه روستاهای نخل تقی، شیرینو، بخش تمبک (تنبک) بیدخون و چاه مبارک، اصلی‌ترین نقاط آن بخش از کرانه شمالی خلیج فارس بودند که به دلیل قراردادن ارتفاعات انتهایی چینه زاگرس جنوبی در فاصله اندکی از شمال این روستاها، اقتصاد و اجتماعی کاملاً محلی و به تعبیری منزوی به این روستاها تحمیل شده بود. این شرایط در مدت زمانی کمتر از یک دهه با تغییری فاحش و قابل توجه مواجه گردید. ایجاد تأسیسات عظیم پالایشگاهی، پتروشیمی و نواحی صنعتی و مسکونی با سرعت چهره

گازی آن، از نامدارترین شرکت‌های نفت و گاز جهان برای حضور در حوزه توسعه پارس جنوبی دعوت به عمل آمد. شرکت کره‌ای دایلم در فاز یک، توتال فرانسه و هیوندای کره در فازهای ۲ و ۳، انی و آجیپ ایتالیا به همراه هیوندای در فازهای ۴ و ۵، کنسرسیوم ژاپنی‌ها شامل تویو، جی‌جی‌سی (JGC) به همراه دایلم کره و سازمان گسترش صنایع ایران و استات‌ویل نروژ در فازهای ۶ تا ۸، GJ کره در فازهای ۹ و ۱۰، توتال در فاز ۱۱، شل و ریسول در فازهای ۱۳ و ۱۴، از جمله بهترین شرکت‌های نامدار صنعت نفت و گاز جهان بوده‌اند که راهی عسلویه شدند. بعدها شرکت‌های دیگری از جمله پتروناس مالزی و گازپروم روسیه نیز به جمع بزرگان حاضر در عسلویه پیوستند. با عقد قرارداد توسعه فازهای ۲ و ۳ پارس جنوبی در مهرماه سال ۷۶، کار توسعه این ذخیره‌گاه بزرگ گاز در بخش ایرانی عملاً کلید خورد. توسعه این دو فاز به مدیریت پیمان توتال فرانسه با ۴۰ درصد سهم، گازپروم روسیه و پتروناس مالزی هر یک با ۳۰ درصد سهم واگذار شد. حدود ۵ سال بعد نیز این دو فاز اولین بخش از میدان پارس جنوبی بودند که به بهره‌برداری رسیدند و در بیست و چهارمین بهار انقلاب اسلامی در بهمن ۸۱ سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت ایران، اولین بخش توسعه‌یافته پارس جنوبی را افتتاح کرد.

این دو فاز در مجموع روزانه حدود ۵۰ تا ۵۶ میلیون متر مکعب گاز طبیعی و ۸۰ هزار بشکه میعانات با برآزش گازی تولید می‌کنند. همچنین روزانه ۴۰۰ تن گوگرد در این دو فاز تولید می‌شود. فاز یک نیز که قرارداد آن در بهمن ۷۶ در قالب قرارداد بیع متقابل به شرکت ایرانی پتروپارس واگذار شد در آبان ماه سال ۸۳ به بهره‌برداری رسمی رسید و روزانه ۲۵ میلیون متر مکعب گاز طبیعی شیرین تولید شده در این فاز وارد شبکه کشوری توزیع گاز ایران شد. بخش دریایی این فاز توسط شرکت ایرانی صدرا و بخش خشکی آن مشترکاً توسط سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شرکت بین‌المللی دایلم کره جنوبی توسعه یافت. قرارداد توسعه فازهای ۴ و ۵ نیز که شاهد حضور شرکت‌هایی همچون پتروپارس، انی ایتالیا و نیکوانیتریز

ایران بود در مردادماه سال ۷۹ منعقد و ۵ سال بعد در فروردین ۸۴ به بهره‌برداری رسمی رسید. طی ۴ سال گذشته نیز عملیات تکمیل توسعه ۵ فاز شامل فازهای ۶ تا ۱۰ پارس جنوبی با جدیت دنبال شده است. اگرچه طی همین مدت فراز و نشیب‌هایی در روند توسعه کلی پارس جنوبی به وضوح رصد شده، جانمایی برخی فازها تغییر یافته و برخی پیمانکاران و مجریان و یا سهم مشارکت آنان دستخوش دگرگونی گشته است، با این حال و در نیمه زمستان سال ۸۸ می‌توان ادعا کرد که با سپری شدن ۱۰ سال از آغاز عملیات توسعه‌ای پارس جنوبی، ۱۰ فاز این میدان به طور کامل به بهره‌برداری رسیده‌اند.

چشم‌انداز پارس جنوبی

شاید بسیاری از ایرانیان را گمان بر این است که همه پتانسیل و مزیت ناشی از ذخیره گازی پارس جنوبی و آنچه که تا کنون در عسلویه و تنبک انجام شده، محدود به همین ۲۸ فاز قابل توسعه کنونی است، اما واقعیت این است که ۱۰ فاز در حال بهره‌برداری و ۱۸ فاز باقیمانده، همه دارایی کانون انرژی پاک خلیج فارس نیست. اگر چه طی یک دهه گذشته حجم عظیمی از فعالیت‌های صنعتی در منطقه عسلویه و مناطق همجوارش انجام شده، تأسیسات و زیرساخت‌های مهمی ساخته شده و میلیاردها متر مکعب گاز طبیعی به همراه میلیون‌ها بشکه میعانات گازی تولید شده است، اما عصر طلایی این بخش از ساحل شمالی خلیج فارس هنوز فرا نرسیده است.

سه میدان عظیم گازی دیگر به جز پارس جنوبی، شامل میادین گازی پارس شمالی با ۴۸ تریلیون فوت مکعب گاز قابل استحصال، میدان گازی گلشن با ۵۰ تریلیون فوت مکعب گاز درجا و میدان گازی فردوسی با ۹ تریلیون فوت مکعب گاز قابل استحصال، گنجینه‌های گازی بسیار ارزشمندی هستند که در مجاورت میدان گازی پارس جنوبی قرار دارند و به دلیل مشترک نبودن با سایر همسایگان از استقلال مخزن برخوردارند. همچنین میدان گازی پارس جنوبی از یک لایه نسبتاً خوب نفتی

برخوردار است که عملیات توسعه آن هم‌اکنون در حال اجرا است و در فاز نخست روزانه ۳۵ هزار بشکه نفت تولید خواهد کرد. در کنار تأسیسات پالایشی گاز طبیعی در منطقه عسلویه و تنبک، تأسیس ۱۳ مجموعه عظیم پتروشیمی نیز طراحی شده است که برخی از آنها گام‌های نهایی برای بهره‌برداری را طی می‌کنند و با راه‌اندازی نهایی همه این مجتمع‌ها، ایران به بزرگترین تولیدکننده برخی اقلام محصولات پتروشیمی در جهان بدل خواهد شد. علاوه بر این‌ها چهار فاز از پارس جنوبی شامل فازهای ۱۱ تا ۱۴ با هدف تولید گاز مایع طبیعی و ورود ایران به جرگه صادرکنندگان LNG طراحی شده است. این فازها در قالب سه طرح بزرگ، پارس ال‌ان‌جی، ایران دال‌ان‌جی و پرشین ال‌ان‌جی در منطقه ویژه پارس ۲ در حال احداث هستند

۱۸ فاز باقیمانده از توسعه میدان پارس جنوبی که ۴ فاز آن مربوط به تولید LNG است به همراه ۱۳ مجتمع بزرگ پتروشیمی در بدبینانه‌ترین نگاه، طی ۱۲ تا ۱۵ سال آینده به بهره‌برداری خواهند رسید. این حجم عظیم از پتانسیل، علاوه بر درآمد چشمگیری که در اثر صادرات مستقیم میعانات گازی، LPG و LNG و گاز طبیعی صادراتی از طریق خط لوله ایجاد می‌کند، طیف گسترده‌ای از محیط کسب و کار صنعتی با قابلیت حداکثری را برای حضور بخش خصوصی به ویژه با امکان راه‌اندازی صدها واحد صنعتی پایین‌دستی پتروشیمی و یا واحدهای تولید CNG ایجاد می‌کند. وجود چنین پتانسیلی در کنار نیاز به راه‌اندازی مراکز متعدد تجاری و مالی که قطعاً در مدار توسعه تکمیلی منطقه ایجاد خواهند گشت، ساحل شمالی خلیج فارس را در حدفاصل بوشهر تا بندرعباس به یک قطب تمام‌عیار اقتصاد انرژی مبدل می‌کند. به همین دلیل است که معتقدیم عصر طلایی تمدن صنعتی عسلویه هنوز آغاز نشده و باید یک دهه بعد شاهد حکمفرمایی این تمدن صنعتی و باردهی میوه و ثمره تلاش دهه گذشته و امروز مدیران و کارکنان صنعت نفت کشور و فعالان بخش خصوصی باشیم.

این زنجیره طلایی زمانی چشم‌افساستر می‌گردد که بدانیم تأسیس یک شهرگازی با تکیه بر ذخایر عظیم گاز که حدود ۱۳ تریلیون فوت مکعب ارزیابی شده است در جزیره فارس در میانه آب‌های خلیج فارس در حال مطالعه است. همچنین کشف قطعی ذخایر گازی در بستر جزیره کیش و وجود چند میدان گازی دیگر در حوزه فعالیت شرکت نفت فلات قاره، آینده ساحل شمالی خلیج فارس را از منظر اقتصاد انرژی آنچنان خوشبینانه ساخته که حتی می‌تواند زنگار خسارت ۱۱ سال تأخیر در برداشت از میدان پارس جنوبی را در رقابت با قطر با فروغ سپهر آینده گاز، از آینده خاطره ایرانیان پاک کند. ■

